

نگاهی

**نگاهی به حاشیه‌های مرزی ایران و بررسی تدوین راهبردهایی که ضرورت دارند**

# ماجراهای یک قفقاز

مشخصا می‌توان به ترور دکتر فخرزاده اشاره کرد.

به واسطه اهمیت این موقعیت جغرافیایی حساس بود که شاهد انتشار بیانیه جمعه هفته قبل سفارت جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان درباره تحولات قفقاز و دور جدید درگیری‌ها بین باکو و ایروان بودیم. سفارت ایران در ارمنستان اعلام کرد: «تهران با نقض تمامیت ارضی و مرزهای کشورهای همسایه مخالف است و به طور ویژه با هر سناریویی که به مرز ایران و ارمنستان ارتباط دو ملت همسایه آسیب وارد کند، مقابله خواهد کرد».سفارت ایران در ارمنستان در پاسخ به سوآلی درخصوص موضع کشورمان درباره تنش‌های اخیر بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران موضع خود درباره تحولات در منطقه قفقاز و روابط خود با دو کشور همسایه جمهوری

ارمنستان و جمهوری آذربایجان را به صراحت و در سطوح مختلف بیان کرده است.سفارت کشورمان عنوان کرد: «همان‌طور که در اخبار دیدار‌های رهبر معظم انقلاب با رؤسای جمهوری روسیه و ترکیه نیز شاهد بوده‌اید، ایران با نقض تمامیت ارضی و مرزهای کشورهای همسایه مخالف است و به طور ویژه با هر سناریویی که به مرز ایران و ارمنستان به‌عنوان مسیر تاریخی ارتباط دو ملت همسایه آسیب وارد کند، مقابله خواهد کرد». در تماس تلفنی سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، با نیکو پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان و نیز در تماس تلفنی وزرای خارجه ایران و جمهوری آذربایجان این موضع اصولی ما تکرار شده است.

اینها علاوه بر آن است که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران صبح چهارشنبه گذشته در گفت‌وگوی تلفنی با جیحون اپرام‌اف،

**عبدالرحمن فتح‌اللهی:**

دوباره به کانون ناآرامی‌ها بدل شده است. در این راستا سفر سه‌روزه شنبه هفته جاری نانسی پولوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به ارمنستان و محکوم‌کردن حملات و تجاوزات باکو هم سبب شده است که تحولات این منطقه پیچیده‌تر و بغرنج‌تر از قبل شود. با درنظرگرفتن این مسائل بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران اعتقاد دارند باکو و آنکارا به دلیل درگیرشدن روسیه در جنگ اوکراین از فضای بهتری برای ایجاد دالان زنگه‌زور و قطع مرز مشترک ایران و ارمنستان برخوردارند. دراین بین دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات قفقاز جنوبی مشخصا از جنگ ۴۴روزه پاییز سال ۲۰۲۰ تا به اکنون با انتقادات جدی مواجه است و به‌همین دلیل این ظن وجود دارد که امنیت و منافع ایران به شکل جدی در قفقاز جنوبی تحت الشعاع قرار گرفته است. ازاین‌رو آسیب‌شناسی و کالبدشکافی دیپلماسی ایران درباره تحولات قفقاز و قره‌باغ، محور **گفت‌وگوی «شرق»** با علیرضا محرابی، تحلیلگر ارشد مسائل حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی است که در ادامه می‌خوانید.

## تاکید چندباره شما روی راهبرد بی‌طرفی فعال با تمرکز بر درگیرکردن سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی بود. حال باید پرسید آیا ایران در همین رابطه نوانسته است از ظرفیت و پتانسیل دیگر نهاده‌ها و سازمان‌ها در جهت مدیریت مناقشه قره‌باغ و قفقاز جنوبی استفاده کند؟

خیر. به نظر من جمهوری اسلامی ایران نتوانست به شکل درست و صحیحی راهبرد بی‌طرفی فعال با تمرکز بر درگیرکردن نهاده‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را اجرائی کند و ظرفیت و پتانسیل این نهاده‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را در جهت مدیریت درگیری‌ها و تنش‌ها در قفقاز و قره‌باغ به کار بگیرد. اگر بخواهم به شکل صریح‌تر به سوآل شما پاسخ دهم متأسفانه هم در دولت روحانی و هم اکنون ما سیاست بی‌طرفی با رویکرد انزوای دیپلماتی‌ها و ایران نتوانستیم در جهت قفقاز و قفقاز جنوبی اقدامی به کار بگیرد. اگر بخواهم به شکل صریح‌تر به سوآل پزشکان بدون مرز، سازمان ملل، شورای امنیت و… در مسئله قره‌باغ استفاده کردیم؟ این نکته نشان از یک واقعیت مهم‌تر دارد.

### چه واقعیتی؟

اینکه جمهوری اسلامی ایران هیچ‌وقت نتوانسته یا نخواسته است

این راهبرد را برای خود به شکل درستی تعریف کند و آن را پیش ببرد. پس مسئله و مشکل عمیق‌تر این است که اساسا هم در دولت روحانی و هم در دولت رئیسی این راهبرد برای تهران تعریف نشده است که بخواهد در آن راستای آن‌گام بردارد و از ظرفیت سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای مدیریت مناقشه قره‌باغ به شکل درست و صحیحی در راستای منافع و امنیت جمهوری اسلامی و استفاده کند.

### با این آسیب‌شناسی شما باید این سوآل مهم‌تر را پرسید که به چه دلیل با دلایلی دولت روحانی و رئیسی نخواست‌ه یا نتوانسته است این راهبرد را برای خود تعریف کرده و آن را اجرائی کند؟

دلیل آن کاملا روشن است. متأسفانه بدنه وزارت امور خارجه و ریاست‌جمهوری به شکل جدی از ظرفیت و پتانسیل بدنه کارشناسی آکادمیک در دانشگاه استفاده نکرده است. این مسئله تنها مربوط به مناقشه قره‌باغ و قفقاز نیست، این مسئله یک مشکل ریشه‌ای و ساختاری است. ما در ساختار دستگاه سیاست خارجی با این مشکل مواجه هستیم که هیچ‌گاه در معادلات جهانی و منطقه‌ای از نظرات کارشناسان و اساتدان دانشگاه استفاده نمی‌شود. درحالی‌که کشورهایی مانند آمریکا برای هر مسئله مناقشه و تحولی در جهان از جنگ اوکراین تا تحولات آسیای جنوب شرقی، قفقاز، خاورمیانه، آفریقا، آمریکا لاتین، اروپا و… دارای اندیشکده‌ها و اساتدان خاص آن حوزه هستند و این بدنه دانشگاهی در اندیشکده‌ها، مشاوره‌های جدی، مستمر و مداومی را به وزارت امور خارجه، وزارت دفاع و کل بدنه اجرائی و قانون‌گذاری در آمریکا می‌دهند. بنابراین دولت و مجلس در ایران هم می‌بایست درخصوص مسائل حساس کشور و مشخصا مسئله قره‌باغ که به شکل جدی و مستقیم می‌تواند منافع و امنیت ایران را تحت‌الشعاع قرار دهد از بدنه اساتدان دانشگاه و نظرات آنها استفاده کند و حتی از آنها برای مشاوره دعوت کند، درحالی‌که متأسفانه ما خلاف آن را شاهد هستیم.

### انتقاد در راستای کالبدشکافی شما مشکل زمانی عمیق‌تر می‌شود که حتی برخی از سفرهای ما و مشخصا سیدعباس موسوی به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در باکو، بر سر راه روشنگری رسانه‌ها و بدنه دانشگاهی در داخل ایران درباره مناقشه قره‌باغ سنگ‌اندازی هم می‌کند، این مشکل ناشی از چیست؟

ناشی از آسیب‌شناسی‌ای است که قبلا گفتم، زمانی که بدنه وزارت امور خارجه با دانشگاه‌ها، اساتدان و کارشناسان این حوزه ارتباط نداشته باشد، عملا در مسیر گام برمی‌دارد که به‌جای حفظ منافع ایران، حفظ منافع کشور میزبان را اولویت خود قرار می‌دهند. من این سوآل را از شما می‌پرسم که یک سفیر، وزیر یا شخص رئیس‌جمهور در ماه چند جلسه جدی، صریح و علنی در مسائل مختلف سیاسی، امنیتی، دیپلماتیک، اقتصادی و… با بدنه دانشگاهی کشور دارد که اساتدان بدون هیچ محدودیتی بتوانند مواضع خود را در جهت تحقق منافع ملی مطرح کنند؟ تقریبا هیچ! پس وقتی این جلسات برگزار نمی‌شود و دولت و وزارت امور خارجه ارتباطی با بدنه دانشگاهی ندارند، طبیعی است که مقامات و مسئولان برداشت و خوانشی متفاوت و حتی متضاد از واقعیت‌های جاری در تحولات داشته باشند و در ادامه با تحلیل‌ها و روشنگری‌های رسانه‌های داخلی زاویه جدی پیدا کنند.

### با توجه به مجموعه نکاتی که عنوان کردید، باید به اثرات و تبعات جدی این وضعیت بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران در سایه تداوم و تشدید تنش‌های مرزی در قفقاز جنوبی و قره‌باغ تمرکز کنیم. آیا آن‌گونه‌که ارمنستان اکنون در یک صمر ژئوپلیتیک در میان ترونیکیا گرجستان، جمهوری آذربایجان و ترکیه قرار گرفته است، ایران هم با

مؤلفه‌های فوق و فاقد علنایت و دوراندیشی باشد، مشکوک، مضر و بلکه تکمیل‌کننده پازل دشمنان ایران و تخریب سیاست همسایگی دولت است. در موضوع همسایگان شمالی مواضع اصولی ایران از ۳۰ سال پیش مشخص است و بارها از سوی رهبر انقلاب، رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و سخنگوی وزارت امور خارجه بیان شده که همانا تغییرناپذیری مرزهای بین‌المللی و تغییرات ژئوپلیتیکی است. درخواست اعلام موضع اضافی و موازی با هر نیتی غیرحرفه‌ای و مضر است.»

در کنار همه این تحولات، شنبه هفته جاری شاهد سفر سه‌روزه نانسی پولوسی به ارمنستان بودیم. رئیس ۸۲ساله مجلس نمایندگان آمریکا بالاترین مقام این کشور محسوب می‌شود که از زمان استقلال ارمنستان در سال ۱۹۹۱ تاکنون به این مهم سفر کرده است. بی‌شک حضور رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده هم می‌تواند به تنش‌های این منطقه دامن بزند. ازاین‌رو تعریف و اجرای راهبردی دقیق و منطبق با واقعیات از سوی جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت درگیری‌ها در قفقاز امری حیاتی است. با توجه به آنکه اساسا ژئوپلیتیک، دانش برد و باخت محسوب می‌شود، ایران باید بتواند راهکاری ملموس در این زمینه برای ایجاد صلح، ثبات و امنیت پایدار برای منطقه قفقاز جنوبی در پیش بگیرد.



در حوزه سرزمینی را پیش ببرد. این یک نگاه کاملا ناصحیح است. ما نباید این تصور را داشته باشیم که بر برخی موضوع‌گیری‌های وزیران امور خارجه که مرتب تکرار می‌کنند اجازه تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه را نمی‌دهیم، می‌توانیم دیگر کشورها را از این مهم باز بداریم. بازهم تاکید می‌کنم تحولات ژئوپلیتیک خاصیت و ماهیتی واقع‌گرایانه دارد؛ یعنی زمانی که تغییرات سرزمینی روی داده، دیگر روی داده است و نمی‌توان آن را تغییر داد یا تغییر آن را هزینه‌های بسیار گزاف همراه خواهد بود.

ما در حوزه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک باید به شکلی کاملا واقع‌گرایانه و رئالیستی وارد میدان شویم. یعنی اگر جمهوری آذربایجان یا هر کشور دیگری در حوزه سرزمینی اقداماتی را انجام داده است، ما هم باید با موازنه ژئوپلیتیک و نگاهی رئالیستی وارد عمل شویم. پاسخ دیپلماتیک به اقدامات میدانی نمی‌تواند شرایط را به نفع ایران تغییر دهد. ضمنا ژئوپلیتیک دانشی است مبتنی بر شیوه عمل؛ اگر شیوه عمل کشوری در تحولات میدانی قوی باشد، مطمئنا برنده تحولات ژئوپلیتیک، آن کشور است.

### این گفته شما به معنای استفاده از قوه قهریه است؟

به‌هیچ‌عنوان، من اعتقاد دارم باید همان راهبرد بی‌طرفی فعال با تمرکز بر درگیرکردن سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی را در پیش بگیریم. استفاده از قوه قهریه و نیروی نظامی آخرین راه‌حل ایران در تحولات قفقاز است. ما نباید نسبت به جنگ در قفقاز واکنش مثبت نشان بدهیم. به قول یاقلمون بنابارت، کوروش، اسکندر و هر استراتژیست دیگری در حوزه جنگ باید استفاده از قوه قهریه آخرین راهکار و راه‌حل باشد. بازهم تکرار می‌کنم استفاده از قوه قهریه و حضور نظامی با حمایت مستقیم و مشخص ایران از یک طرف درگیری‌ها در مناقشه قره‌باغ برای ما هزینه بسیار زیادی در بر دارد.

### ولی این جمله شما در تضاد با تحلیل قبلی‌تان قرار دارد، زمانی که تحولات ژئوپلیتیکی ماهیتی کاملا رئالیستی و بدون داد دارد و جمهوری آذربایجان به دنبال تحمیل دالان موهوم زنگه‌زور به ایران است، پس چرا باید به حوزه دیپلماتیک بسنده کرد؟

ببینید مسئله اینجاست که دولت روحانی و دولت رئیسی اساسا راهبرد بی‌طرفی فعال با تاکید بر درگیرکردن ظرفیت تمام نهاده‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را در دستور کار خود قرار نداده‌اند. خب زمانی که نتوانستیم اهرم دیپلماسی را به شکل فعال وارد کنیم و از ظرفیت نهاده‌ها و ارگان‌ها برای مدیریت تحولات قفقاز استفاده کنیم، نباید این کم‌کاری را به استفاده از قوه قهریه بر کنیم. بله من معتقدم تحولات ژئوپلیتیک ماهیتی رئالیستی دارد، اما باید دیپلماسی فعال را برای ایجاد موازنه در پیش گرفت، نه اینکه بخواهیم با جرد موضع‌گیری تکراری تحولات ژئوپلیتیک و تلاش برخی کشورها را برای ایجاد یک دالان و مسیر با چالش مواجه کنیم. این راه‌حل نیست.

### تداوم و تشدید جنگ اوکراین و درگیرشدن روسیه را در این جنگ و تأثیرش بر تحولات قفقاز و قره‌باغ را به شکل مستقیم بررسی کنیم. به باور شما آیا جنگ اوکراین فضای لازم را مبر برای جمهوری آذربایجان و ترکیه در جهت تلاش برای اوج‌گیری تنش مرزی با جمهوری ارمنستان، اشغال بخشی از خاک این کشور، ایجاد دالان موهوم زنگه‌زور و تحمیل آن به ایروان و تهران فراهم کرده است؟

در علم روابط بین‌الملل هر اتفاق و تحولی اثرات جانبی و مستقیمی بر دیگر تحولات خواهد داشت. بنابراین نمی‌توان یک رویداد و اتفاق در نظام بین‌الملل پیدا کرد که بدون تأثیر باشد. در همین راستا شناخت اثرات و رابطه خود به یک علم جداگانه نیاز دارد که در قالب علم آینده‌پژوهی قابل ارزیابی است که اثر جانبی یا مستقیم یک حادثه چنده تأثیری بر آینده نظام بین‌الملل خواهد داشت. بیرون نکته تداوم و تشدید جنگ اوکراین و درگیرشدن روسیه در این جنگ می‌تواند اثر جدی و مستقیمی بر مناقشه قره‌باغ داشته باشد؛ چراکه روس‌ها یکی از مهم‌ترین بازیگران نقش‌آفرین در تحولات قفقاز و قره‌باغ بوده‌اند. بنابراین جنگ اوکراین تأثیرات جدی بر کل اورآسیا از شرق اروپا و مشخصا شبه‌جزیره کریمه و اوکراین تا آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه داشته است. در این رابطه معتقدم روسیه بعد از وقوع جنگ اوکراین سعی کرد در پشت پرده شرایط و تحولات در قفقاز را به نحوی پیش ببرد و مدیریت کند که بتواند در جنگ اوکراین دست برتر را داشته باشد؛ بنابراین در آینده، جنگ اوکراین و تنش مرزی جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان در قره‌باغ و قفقاز جنوبی می‌تواند در یک ارتباط و اثرگذاری و اثرپذیری یکپارچه برای مسکود قالب یک راهبرد تعریف شود.

همتای خود در جمهوری آذربایجان، درباره تحولات اخیر در منطقه قفقاز جنوبی بر آمادگی تهران برای کمک به حل‌وفصل موضوع به صورت مسالمت‌آمیز و از طرق سیاسی تاکید کرد.امیرعبداللهیان صراحتا عنوان کرد:«جمهوری اسلامی ایران همواره بر حفظ تمامیت ارضی کشورها ازجمله آذربایجان و ارمنستان تاکید دارد؛ درعین‌حال مرز ایران و ارمنستان را نیز یک راه ارتباطی تاریخی می‌دانیم که باید بدون تغییر حفظ شود. امیرعبداللهیان با تاکید بر اینکه منطقه تحمل جنگ جدیدی را ندارد، اظهار کرد: «جمهوری اسلامی ایران طرفین این مناقشه را به خویشتن‌داری فرامی‌خواند.»

در آن سوو به نظر می‌رسد سفیر جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان هم جمعه گذشته دست به توییت شد. سیدعباس موسوی درباره تحولات منطقه قفقاز نوشت:«در مناقشات منطقه‌ای و بین‌المللی مواضع اصولی ایران همواره در چارچوب عزت، حکمت، مصلحت و براساس حق، انصاف، عدالت و حقوق بین‌الملل استوار است. قوه عاقله نظام قطعا بهترین تصمیم را در بهترین زمان می‌گیرد و همیشه از منافع و امنیت ملی خود و منطقه پاسداری می‌کند. در منافع حیاتی لابی‌گری، جانبداری هیچانی و عملیات روانی بی‌اثر است. اثرگذاری بر تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و مجریان سیاست خارجی و دفاعی اگر واجد

می‌رسیدند که تهران با یک برنامه‌ریزی دقیق در حال مدیریت شرایط است؛ بنابراین باید به سمت تعامل با جمهوری اسلامی پیش بروند اما اکنون وضعیت منطقه قره‌باغ خلاف آن را نشان می‌دهد و ایران کمترین نقش و اثرگذاری را در پیشبرد تحولات دارد.

### ♦ در سایه آنچه عنوان کردید آیا شما با تعریف دستیار ویژه برای رئیس‌جمهور در امور قفقاز موافقت؟

من معتقدم که برای تمام ۱۵ همسایه ایران باید یک دستیار ویژه تعریف شود. البته دستیار ویژه نه به این معنا که بخواهد برای رئیس‌جمهور طرح سؤال کند، چون طرح سؤال یعنی مشکل و چالش؛ دستیار ویژه باید به دنبال جواب سؤال باشد. یعنی دستیار باید یک بدنه کارشناسی و آکادمیک را برای یک مسئله انتخاب کند و در این مسیر هم دیپلماسی فعالی نداریم. حالا اگر بخواهیم از اشتباهات خود هم درس بگیریم، قطعا این مسائل به‌عنوان حفره‌هایی جدید در سیاست خارجی بروز خواهند کرد.

### ♦ به شکل صریح و در پاسخ به سؤال قبل آیا ایران را بازنده تحولات قره‌باغ می‌دانید؟

### ♦ به چه دلیل؟

ببینید ساختار سیاسی و حکومت‌ها با ظرفیت سرزمینی، منابع و جمعیت به‌عنوان سرشیناتش در مسیری در حال حرکت است. ما در علم روابط بین‌الملل اعتقاد داریم که حفره‌های حکومتی در معادلات بین‌المللی می‌تواند مانند یک چاله در مسیر این ماشین عمل کند که گاهی یک چرخ ماشین را درگیری می‌کند اما جاله بعدی ممکن است بزرگ‌تر باشد و این ماشین را درگیر کند؛ کمالیتکه جاله‌های بعدی می‌توانند به موتور ماشین آسیب برسانند.

### ♦ الان حفره تهران در مناقشه قره‌باغ، جرخ، بدنه یا موتور را درگیر است؟

مشخصا در مناقشه قفقاز و قره‌باغ فعلا گیر کرده‌است. اما اگر در ادامه این حفره‌ها بر نشود، یعنی برای خود استراتژی و راهکاری در خصوص مدیریت تحولات قره‌باغ و قفقاز تعریف نکنیم یا دیپلماسی فعالی نداشته باشیم و از اشتباهات، کم‌کاری‌ها و انفعال‌های گذشته درس نگیریم، قطعا در آینده شاسلی و موتور ایران تحت‌الشعاع این مسئله قرار خواهد گرفت. من بارها گفتم‌ه‌ا که مسئله قره‌باغ برای ایران بسیار جدی است. چون ایران تنها کشوری است که به شکل هم‌زمان، هم با جمهوری آذربایجان و هم جمهوری ارمنستان و منطقه قره‌باغ مرز مشترک دارد. بنابراین منافع و امنیت ایران به شکل مستقیم درگیر هر نوع تحولی در قفقاز و قره‌باغ خواهد بود. پس اگر بخواهم به شکل مشخص به سوآل قبلی شما پاسخ بدهم، نمی‌توان یک‌باره گفت ایران در مسئله قفقاز و قره‌باغ بازنده است یا برنده؛ چون بازنده‌بودن یا برنده‌بودن در یک مسئله نیازمند برخی پیش‌شرط‌هاست. یعنی برد و باخت ایران در چارچوب همان تأثیرگذاری حفره‌های حکومتی در مسیر حرکت ماشین جمهوری اسلامی ایران قابل ارزیابی است. وقتی ما برای منطقه قفقاز جنوبی و قره‌باغ، آسیای میانه، خاورمیانه، شبه‌جزیره کریمه، عربستان، جنگ اوکراین، مناقشه کشمیر، افغانستان، پاکستان، هندوستان و… استراتژی نداشته باشیم، قطعا مجبوریم تاکتیکی عمل کنیم و رفتار تاکتیکی که مسیر جمهوری اسلامی ایران را در روابط بین‌الملل برطرف می‌کند هم پر از دست‌سلاخ می‌کند که می‌تواند علاوه بر جرخ به بدنه و موتور هم آسیب بزند و نهایتا زمینه باخت را فراهم کند. اگر ما بتوانیم این استراتژی را برای خود تعریف کنیم، می‌توانیم در برابر اسرائیل، آمریکا، روسیه، عربستان، چین و… به خوبی عمل کرده و منافع و امنیت خود را به شکل درست و صحیحی حفظ کنیم. برای مثال اگر ما در مناقشه قره‌باغ سیاست و راهبرد بی‌طرفی فعال با تاکید بر درگیرکردن ظرفیت سازمان‌ها و ارگان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستور کار قرار می‌دایم، مناقشه قره‌باغ به این نقطه شکننده نمی‌رسد و باکو و ایروان هم به این ارزیابی و جمع‌بندی

